اخبار

## آخرین وضعیت جسمی محمود فرشچیان

فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، درباره آخرین وضعیت جسمی محمود فرشچیان، عضو پیوسته این فرهنگستان، اطلاعیه‌ای منتشر کرد.

به گزارش ایسنا، در متن این اطلاعیه آمده است: «فرهنگستان هنر در پی انتشار برخی اخبار نگران‌کننده درباره وضعیت جسمی استاد محمود فرشچیان، نگارگر برجسته و عضو پیوسته این فرهنگستان، از طریق ارتباط با خانواده ایشان، جویای احوال این هنرمند برجسته شد.

در پاسخ به این پیگیری‌ها، همسر استاد فرشچیان ضمن قدردانی از ابراز محبت و نگرانی جامعه هنری، اعلام کرد: «با عرض سلام و تشکر از بابت احوال‌پرسی و نگرانی شما از حال استاد فرشچیان، به عرض می‌رساند ایشان دچار ذات‌الریه شده‌اند و تحت درمان پزشکان هستند.»» سخنگوی شهرداری اصفهان صبح روز پنجشنبه ـ ۱۶ مرداد ماه ـ اظهار کرده بود، «محمود فرشچیان در بیمارستانی در آمریکا بستری است و حال جسمی ایشان وخیم گزارش شده است. در این روزها برای سلامتی این استاد وطن دوست دست به دعا برداریم.»؛ خبری که البته در ادامه به نقل از همسر هنرمند نادرست اعلام شد. حالا فرهنگستان هنر در اطلاعیه‌ای آخرین وضعیت جسمی محمود فرشچیان ـ هنرمند شناخته شده کشورمان ـ را رسما تشریح کرده است.

«ضامن آهو»، «پنجمین روز آفرینش»، «ابراهیم نبی»، «عصر عاشورا»، «شمس و مولانا» و «ستایش» از جمله آثار محمود فرشچیان ـ نگارگر برجسته ایرانی ـ هستند.

## موزه گرافیک ایران ۱۰ ساله می‌شود

انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران آیین بزرگداشت دهمین سال تأسیس موزه گرافیک ایران را برگزار می‌کند.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط‌عمومی انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران، آیین افتتاحیه بزرگداشت دهمین سال تأسیس موزه گرافیک ایران به همت انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران، ساعت ۱۸ روز پنجشنبه، ۱۶ مردادماه سال جاری در محل موزه گرافیک برگزار می‌شود.

این رویداد فرصتی است برای یادآوری ضرورت حفظ میراث ارزشمند دیداری تاریخ معاصر کشورمان در حوزه طراحی گرافیک که بخش مهمی از فرهنگ و هویت تصویری چندین نسل را شکل داده است. همچنین بزرگداشتی است برای بیش از دو دهه تلاش انجمن صنفی طراحان گرافیک در گردآوری و پاسداشت تاریخ و آثار طراحی گرافیک ایران که سرانجام یک دهه پیش در قالب موزه گرافیک به ثمر رسید.

در این رویداد «نمایشگاه تاریخ طراحی گرافیک معاصر ایران ۴»، شامل برگزیده‌ای از آثار سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ خورشیدی و نمایشگاه «۱۰ سال، ۱۰ اثر»، با ارائه آرت‌ورک‌ها و نمونه‌های چاپی گنجینه موزه گرافیک ایران، گشایش خواهد یافت. همچنین از شماره ۶۸ نشریه «جهت اطلاع»، نشریه داخلی انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران، با عنوان ویژه‌نامه دهمین سال تأسیس موزه گرافیک رونمایی خواهد شد. حضور در این رویداد برای تمامی علاقمندان آزاد است.

موزه گرافیک ایران در تهران، اتوبان باقری شمال، بلوار استقلال شرقی، خیابان برادران قزوینی، محوطه پارک پلیس شمالی، عمارت ارباب هرمز واقع شده است.

### سریال‌های خشن در بستری ناکارآمد؛ نه نظارت هست و نه آموزش

# خشونت فیلم‌ها؛ زنگ خطر یا تخلیه روانی؟

در شرایطی که سریال‌هایی با محوریت خشونت در کشور با استقبال بهتری رو به رو می‌شود بزرگ‌ترین سوال این است که چه اتفاقی باعث شده است جامعه این محتوا را برای تماشا ترجیح بدهد.

**آیا مخاطب امروز واقعاً طالب این حجم از خشونت است؟ یا این آثار به‌نوعی در حال سلیقه‌سازی و بازتعریف الگوی مصرف فرهنگی‌اند؟ آیا جامعه به سمت خشونت‌پذیری پیش می‌رود یا صرفاً دچار بحران در بیان هیجانات سرکوب‌شده شده است؟**

در سال‌های اخیر، سریال‌های شبکه نمایش خانگی با روندی رو به رشد به سمت نمایش صحنه‌هایی با خشونت بالا حرکت کرده‌اند. از «زخم کاری» و «پوست شیر» گرفته تا «جان‌سخت» و «وحشی»، آثاری که اغلب با استقبال گسترده مخاطبان مواجه شده‌اند و جزو پربازدیدترین مجموعه‌های این پلتفرم‌ها به‌شمار می‌روند آثاری هستند که موج شدیدی از خشونت در آن‌ها دیده می‌شود.

این استقبال اما، در دل خود پرسش‌هایی جدی و چندلایه را پنهان کرده است: آیا مخاطب امروز واقعاً طالب این حجم از خشونت است؟ یا این آثار به‌نوعی در حال سلیقه‌سازی و بازتعریف الگوی مصرف فرهنگی‌اند؟ آیا جامعه به سمت خشونت‌پذیری پیش می‌رود یا صرفاً دچار بحران در بیان هیجانات سرکوب‌شده شده است؟ از سوی دیگر، نبود نظارت دقیق بر رده‌بندی سنی و عدم حساسیت برخی خانواده‌ها نسبت به محتوای رسانه‌ای، نگرانی‌ها درباره تأثیر این آثار بر نسل نوجوان و بازتولید خشونت در سطح اجتماع را دوچندان کرده است.

خبرآنلاین برای بررسی ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی این موضوع، به سراغ دکتر امیرحسین جلالی، روان‌پزشک و فعال حوزه سلامت روان رفته‌ایم. در این گفت‌وگو تلاش کرده‌ایم دلایل روانی تمایل به خشونت در آثار نمایشی، زمینه‌های اجتماعی آن، و تهدیدهای احتمالی ناشی از تماشای این محتوا توسط نوجوانان را از منظر علمی و تخصصی بررسی کنیم.

در ابتدای گفت‌وگو با دکتر امیرحسین جلالی، درباره موج آثار خشونت‌محور در شبکه نمایش خانگی در سال‌های اخیر و میزان استقبال مخاطبان از این آثار پرسیدیم. وی در پاسخ به این پرسش که آیا بازنمایی این حجم از خشونت ناشی از مطالبه اجتماعی است یا نوعی سلیقه‌سازی رسانه‌ای در حال وقوع است، اظهار داشت: «اولاً باید در نظر بگیریم که اصولاً بازنمایی خشونت، چه در قالب پرخاشگری و خشونت عریان فیزیکی یا شیوه‌های دیگری که می‌توان نسبت به مخاطب عنوان خشونت را به آن اطلاق کرد؛ مانند بازنمایی استفاده از مواد یا صحنه‌های بی‌پروای جنسی ـ در سینما و رسانه‌های تصویری دنیا در سال‌های گذشته نسبت به چند دهه قبل تفاوت پیدا کرده و با موج روزافزونی مواجه شده است. چیزی که به نظر من، با یک فاصله زمانی، به سینما یا رسانه‌های تصویری ایران نیز راه پیدا کرده است. با توجه به نظام ممیزی در ایران، برخی از صحنه‌های بازنمایی‌ها صورت نمی‌گیرد، اما شکل‌های دیگر آن کم و بیش رخ می‌دهد. حتی می‌توان گفت که هنوز هم به نسبت برخی آثار سینمایی و تصویری در دنیا، میزان بازنمایی خشونتی که در کشور ما دیده می‌شود، کمتر است. صحنه‌های عریانی که در برخی از آثار تصویری و سینمایی در چند سال گذشته در دنیا دیده می‌شود، بعضاً بی‌سابقه بوده است.»

او افزود: «از این منظر، می‌توان این پدیده را در دل یک جریان جهانی دید. همچنین، به باور من، وجهی از دنباله‌روی و تقلید نیز در این روند وجود دارد؛ همان‌طور که گاهی در پوسترهایی که تقلید می‌شود، یا در فرم یا محتوای آثار تصویری و سینمایی این تقلید به چشم می‌خورد، در جزئیاتی مثل بازنمایی خشونت نیز این موضوع اتفاق می‌افتد. اما نباید موضوع را فقط به این تحلیل فروکاست یا به چنین قیاسی محدود کرد، چرا که در بسیاری از کشورها، باوجود این بازنمایی‌های دست‌ودلبازانه، نظام درجه‌بندی و در نظر گرفتن مخاطب بر اساس رده سنی بسیار جدی است.»

او ادامه داد: «این جدی بودن در بسیاری مواقع برخلاف تصور ما، صرفاً به معنای وجود دستورالعمل یا تولید مقررات تنبیهی نیست. در کشور ما، نگاه غالب این است که باید برای رسانه‌ها یا سینماگران تنبیه‌هایی در نظر گرفت و این تنبیه‌ها عمدتاً یا در قالب قواعد و احکام قضایی است یا به شکل گسترش سانسور اعمال می‌شود؛ که هیچ‌یک از این دو، در عمل راه‌حل مطلوبی نیست. اما در بسیاری از کشورهای دنیا، نظام درجه‌بندی موفق عمل می‌کند؛ چراکه به‌نسبت کودکان و نوجوانان، هرچند نه به میزان صددرصد، نوعی مراقبت از سوی مدرسه، جامعه و به‌ویژه خانواده در برابر روبه‌رو شدن با این نوع بازنمایی‌ها وجود دارد.

به گفته جلالی، علت این تفاوت را باید در مؤلفه‌هایی نظیر سرمایه اجتماعی و میزان کارآمدی یا ناکارآمدی کنترل‌کننده‌های نظم اخلاقی جست‌وجو کرد. او در این‌باره توضیح داد: « دلایل این موضوع هم به سرمایه‌های اجتماعی و تولید کنندگان نظام اخلاقی بر می‌گردد. یعنی همان کنترل‌کنندگان اجتماعی که درونی آن نظم اخلاقی و بیرونی آن همان همان قانون است. در کشور ما، به‌خصوص در سال‌های اخیر، ناکارآمدی‌هایی در این حوزه‌ها وجود داشته و به همین دلیل، قانون‌گذاری و از جمله درجه‌بندی سنی چندان جدی گرفته نمی‌شود. نهادهایی که باید در این زمینه ایفای نقش کنند، مانند جامعه، مدرسه و خانواده، خود درگیر بحران‌های جدی‌تری هستند و طبیعتاً این مسائل برای آن‌ها به مسئله‌ای جدی تبدیل نمی‌شود.»

او در ادامه با اشاره به پرسش ابتدایی مبنی بر این‌که آیا تقاضای جامعه برای خشونت است یا الگوسازی رسانه‌ای در حال وقوع است، بیان کرد: «واقعیت این است که می‌توان گفت هر دو در حال رخ دادن است. از یک سو، چون این آثار پذیرفته می‌شوند و دیده می‌شوند، نشان می‌دهد که جامعه به‌نوعی از این بازنمایی خشونت استفاده روان‌شناختی می‌کند. یعنی از منظر روان‌شناختی می‌توان این برداشت را داشت که جامعه در حال تجربه نوعی خشم انباشته و ابراز نشده است. »

به گفته او، «این نگاه از گذشته‌های دور وجود داشته که سینما و نمایش، صحنه‌ای برای برون‌ریزی روانی است. از این منظر، می‌توان این وضعیت را سیگنالی از سوی جامعه دانست، مبنی بر این‌که ما با جامعه‌ای با خشم انباشته، متراکم و ابرازنشده مواجهیم که این خشم را از طریق فرافکنی و دادن نقش‌هایی به قهرمانان یا ضدقهرمانانی که دست به اعمال خشونت‌آمیز می‌زنند، ابراز می‌کند؛ قهرمانانی که گاهی در قالب نابود کردن یک متجاوز یا یک موجودیت قدرتمند عمل می‌کنند.»

او در ادامه گفت: «قهرمان یا ضدقهرمانی که در یک اثر نمایشی گردن‌کلفتی را از پا درمی‌آورد، در حقیقت نوعی تشفی نیابتی برای مخاطب ایجاد می‌کند. به عبارتی، شاهد یک برون‌ریزی نیابتی هستیم. اما واقعیت این است که مسئله به همین‌جا ختم نمی‌شود؛ چرا که یادگیری نیز در این فرایند نقش دارد. به‌عبارت‌دیگر، زمانی که یک رفتار شکل بگیرد و تقویت شود، قابلیت یادگیری پیدا می‌کند. در نتیجه، میل جامعه به این نوع نمایش‌ها شدت پیدا می‌کند، یا به‌بیانی دیگر، سلیقه جامعه به این شکل حالت می‌گیرد. در این شرایط، نه‌تنها این نوع محتوا مطالبه می‌شود، بلکه قبح و زشتی آن نیز برای جامعه به‌تدریج از بین می‌رود. در نتیجه، نمایش صحنه‌های شدیدتر خشونت به‌تدریج ساده‌تر پذیرفته می‌شود، یا حتی مورد تقاضا قرار می‌گیرد.»

در ادامه از دکتر جلالی پرسیده شد که آیا او با این نظر موافق است که بازنمایی خشونت در یک مجموعه نمایشی می‌تواند منجر به بازتولید و عادی‌سازی خشونت در جامعه شود؟

او در پاسخ به این پرسش گفت: «در ابتدا باید مشخص کرد که منظور از بازتولید چیست؛ آیا منظور این است که آنچه در تصویر دیده می‌شود، در جامعه تکرار خواهد شد؟ اینجا باید توجه داشت که شخصاً با احکام کلی موافق نیستم، چراکه رفتار انسانی، هرچند که به‌صورت توده‌ای یا گروهی قابل مشاهده است؛ یعنی ممکن است گروهی از جامعه از یک سلیقه خاص پیروی کنند، اما این به آن معنا نیست که یک عامل، حتماً و در همه موارد به یک نتیجه مشخص منجر می‌شود. از این جهت، استدلال‌هایی از این دست، که یک پدیده الزاماً باعث وقوع یک پیامد می‌شود، مدل استدلالی قابل قبولی نیست.»

او افزود: «با این حال، باید توجه داشت که یادگیری اجتماعی یک نظریه شناخته‌شده است. رسانه‌هایی که مخاطبان گسترده‌ای دارند، دسترسی آسانی برای مردم فراهم می‌کنند و هزینه اشتراک آن‌ها نسبتاً پایین است. در چنین شرایطی، حجم زیادی از این آثار در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، در شبکه‌های اجتماعی، بخش‌هایی از این آثار به‌صورت کلیپ‌هایی با تدوین‌های موسیقایی و جذاب، بارها و بارها بازنشر می‌شود. طبیعتاً در چنین شرایطی، تأثیرگذاری رسانه‌های پرمخاطب، به‌ویژه در جامعه‌ای که از نظر روانی و اجتماعی در وضعیت مطلوبی قرار ندارد، بسیار بیشتر خواهد بود.»

دکتر جلالی با تأکید بر نکته‌ای که در بخش نخست گفت‌وگو نیز به آن اشاره کرده بود، گفت: «اگر جامعه‌ای از نظر روانی و اجتماعی در وضعیت باثباتی باشد، یک صحنه خشونت‌آمیز می‌تواند در خدمت روایت دراماتیک قرار گیرد، حتی پندآموز یا درس‌آموز باشد. اما در وضعیت کنونی، حجم بالای تمایل به تماشای خشونت در آثار تصویری می‌تواند نمایانگر خشم بسیار انباشته و متراکمی در سطح جامعه باشد. در چنین شرایطی، بازنمایی خشونت نه‌تنها خاصیت درمانگرانه ندارد، بلکه می‌تواند، همان‌طور که شما نیز اشاره کردید، به رواج بیشتر خشونت و از میان رفتن زشتی و قبح اعمال خشونت‌آمیز منجر شود.»

او با اشاره به تأثیرپذیری بیشتر گروه‌های سنی پایین‌تر، اظهار داشت: «این مسئله به‌ویژه در مورد نوجوانان نگران‌کننده‌تر است. نوجوانان، به‌طور کلی، تقلیدپذیر و مستعد همانندسازی با شخصیت‌ها هستند؛ خواه قهرمانان باشند یا ضدقهرمانان. در شرایطی که نظام درجه‌بندی کارساز نیست، و والدین نیز نظارت کافی ندارند، کودکان و نوجوانان به‌سادگی و بدون مراقبت، در معرض این نوع محتوای رسانه‌ای قرار می‌گیرند.»

در ادامه گفت‌وگو، از دکتر جلالی درباره استقبال گسترده مخاطبان از این آثار پرسیده شد. این پرسش مطرح شد که جامعه چه مسیری را طی کرده است که اکنون این دسته از آثار، که خشونت از ویژگی‌های بارز آن‌هاست، با چنین حجم بالایی از مخاطب مواجه می‌شوند؟

او در پاسخ گفت: «ما در ایران با وضعیتی مواجه هستیم که مسائل اجتماعی و روان‌شناختی به شیوه‌ای پرداخته می‌شوند که یا علت اصلی آن‌ها از سوی جامعه دیده نمی‌شود، یا اساساً دسترسی مناسبی به فهم ریشه‌ای آن وجود ندارد. از طرفی، در اثر نوع روایت‌پردازی کلیشه‌ای که در بسیاری از موارد شاهد آن هستیم، تلاش می‌شود تا صرفاً مسئله‌ای ساخته شود و سپس راه‌حل یا راهکاری برای آن طراحی گردد. به‌عنوان مثال، می‌گویند بیاییم نمایش دخانیات، مواد مخدر یا صحنه‌های خشونت‌آمیز را در سینما و تلویزیون محدود کنیم؛ چراکه تئوری‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد تماشای این عناصر می‌تواند احتمال مصرف یا ارتکاب آن‌ها را افزایش دهد.»

او ادامه داد: «در این مورد، من مطلقاً در مقام انکار آن نظریه‌ها نیستم و کاملاً با این دیدگاه موافقم که خشم متراکم شده آسیب‌زا است.»

دکتر جلالی با اشاره به مطالعات موجود، به تصویری کلی از وضعیت روانی جامعه اشاره کرد و گفت: «واقعیت این است که ما هم پیمایش‌ها و هم سنجش‌هایی داریم، چه برخی پیمایش‌های خارجی که متأسفانه دسترسی به داده‌های ریز آن‌ها محدود است و چه پژوهش‌های داخلی که به‌ندرت به شکل جزئی منتشر می‌شوند، که نشان می‌دهند تجربه خشم و خشونت در جامعه بالاست. برای مثال، آمار پرونده‌های پزشکی قانونی، افزایش نزاع‌های خیابانی، یا رشد خشونت‌های خانگی گواه همین موضوع است. حتی اگر خشونت فیزیکی نسبت به گذشته کاهش یافته باشد، خشونت‌های روانی و روان‌شناختی به‌شدت افزایش پیدا کرده‌اند. این‌ها همه حامل یک پیام روشن هستند.»

او ادامه داد: «وقتی جامعه‌ای ناکام، سرخورده و درگیر انسدادهای مزمن اجتماعی و سیاسی باشد و نتواند خشم خود را ابراز کند، این خشم به‌تدریج انباشته شده و در قالب‌های غیرمستقیم بروز می‌کند. یکی از این قالب‌ها، اقبال شدید مردم به آثار نمایشی خشن است. یعنی مردم ناخودآگاه یا آگاهانه، جذب آثاری می‌شوند که هم‌زمان خشم‌شان را بازتاب می‌دهد و به آن‌ها امکان تجربه نیابتی خشم را می‌دهد.»

دکتر جلالی سپس بحث را به سطحی کلان‌تر کشاند و با نگاهی اجتماعی ـ سیاسی تحلیل کرد: «در یک جامعه سالم، خشم اصلاً نباید به حدی برسد که به خیابان کشیده شود. باید در ساختارهای دموکراتیک و مدنی تخلیه شود؛ یعنی تغییر نماینده مجلس، تغییر شهردار، فعالیت حزبی، کارزارهای مدنی. مردم باید بتوانند جلوی قطع درختان یا بروز فساد را بگیرند، رسانه‌ها باید به‌عنوان نماینده مردم، آزادی پیگیری و تحقیق در موضوعات مهم را داشته باشند. این‌ها سازوکارهایی هستند که اگر فراهم باشند، جامعه پیش از رسیدن به مرحله انفجار خشم، از طریق آن‌ها واکنش نشان می‌دهد.»

او با اشاره به شرایط کنونی کشور افزود: «امروز با بحران‌هایی چون آب، برق و ناکارآمدی‌های گسترده‌ای مواجهیم که پاسخگویی شفافی نسبت به آن‌ها وجود ندارد. مسئولیت این بحران‌ها به‌جای آن‌که متوجه تصمیم‌گیرندگان شود، بر دوش مردم گذاشته می‌شود.»

او همچنین در پاسخ به این سوال که رده‌بندی سنی چرا در کشور به این اندازه ضعیف صورت می‌گیرد گفت: «در بخشی از گفت‌وگوی‌مان اشاره شد به نظام رده‌بندی سنی؛ متأسفانه، این نظام کارآمدی لازم را ندارد. یکی از دلایلش این است که در شرایطی می‌خواهیم این رده‌بندی را اعمال کنیم که سرمایه اجتماعی به‌شدت کاهش یافته است. اعتماد عمومی به نهادها، حتی اگر واقعاً قابل اعتماد باشند، پایین است. قانونی که قرار است به‌عنوان مرجع عمل کند، به شیوه‌های مختلف در جامعه دور زده می‌شود، و به عبارت دیگر، آبرو از قانون رفته. در چنین شرایطی، نمی‌توان انتظار داشت صرفاً با چسباندن برچسب «+۱۸» یا «مناسب نوجوان نیست» جلوی آسیب را بگیریم.»

او ادامه داد: «فرهنگ‌سازی امری پیچیده است. این‌طور نیست که حاکمان تصمیمی بگیرند و مردم خود به خود، پشت آن را بگیرند و همراهی کنند. نظام رده‌بندی صرفاً ده درصد ماجراست. نود درصد باقی‌مانده نیاز به آموزش، بودجه، نهادسازی، و شکل‌گیری فهم عمومی دارد. بسیاری از مردم، حتی در شهرهای بزرگ، منطق نظام رده‌بندی سنی را نمی‌دانند. در حالی که مثلاً در آمریکا، وقتی از رده‌بندی‌هایی مثل R صحبت می‌شود همه می‌دانند موضوع چیست، اما در ایران با مفهموم +۱۸ حتی جوک و لطیفه ساخته می‌شود. این نشان می‌دهد که درک عمومی شکل نگرفته است. ما تا زمانی که این سطح از آگاهی و همراهی را ایجاد نکنیم، صرف رده‌بندی قانونی، هیچ کمکی به محافظت از کودکان و نوجوانان نمی‌کند.»

در پایان این گفت‌وگوی مفصل، دکتر جلالی بار دیگر تأکید کرد که خشونت نمایشی، در صورتی که در بستری سالم و آگاهانه عرضه شود، می‌تواند حتی نقشی آموزشی یا هشداردهنده داشته باشد، اما در وضعیتی که جامعه با حجم بالای ناکامی و بی‌اعتمادی مواجه است، چنین آثاری نه‌تنها مفید نخواهند بود، بلکه می‌توانند بازتولید خشونت و طبیعی‌سازی آن را در پی داشته باشند.

اخبار

حسین انتظامی اعلام کرد

## میزان درخواست‌ها و پاسخگویی‌ها در سامانه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

معاون مدیریت توسعه و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد:امسال از ۲۸۴۷ دستگاه عضو سامانه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، ۷۸۰۰ درخواست شده که ۸۲٪ پاسخ داده شده است.

به گزارش ایسنا، حسین انتظامی- معاون مدیریت توسعه و منابع وزارت فرهنگ ـ در صفحه شخصی خود میزان درخواست‌ها و پاسخگویی‌ها در سامانه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات اعلام کرده است:امسال از ۲۸۴۷ دستگاه عضو سامانه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، ۷۸۰۰ درخواست شده که ۸۲٪ پاسخ داده شده است.

انتظامی همچنین بیشترین پاسخگویی را حوزه فنی و حرفه‌ای کهگیلویه و بویراحمد با ۸۶ پاسخ اعلام کرد.

معاون مدیریت توسعه و منابع وزارت فرهنگ در عین حال بیشترین بی‌توجهی را سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران با ۵۹ درخواست بی‌پاسخ عنوان کرد.

## «رستاخیز مسیح» مل گیبسون ۲قسمتی شد

«رستاخیز مسیح» مل گیبسون، یک حماسه ۲ قسمتی خواهد بود که به فاصله ۴۰ روز در سال ۲۰۲۷ به سینماها می‌آید.

به گزارش مهر به نقل از ورلد آف ریل، فیلمبرداری دنباله «مصائب مسیح» مل گیبسون ماه آینده در رم آغاز می‌شود و حالا شرکت لاینزگیت اعلام کرده که «رستاخیز مسیح» در ۲ بخش اکران خواهد شد. بخش اول قرار است ۲۶ مارس ۲۰۲۷ (جمعه خوب) اکران شود و بخش دوم ۴۰ روز بعد، پنجشنبه ۶ مه ۲۰۲۷ (روز عروج) اکران خواهد شد.

«رستاخیر مسیح» دنباله فیلم جنجالی و بسیار موفق سال ۲۰۰۴ گیبسون یعنی «مصائب مسیح» است که با بودجه ۳۰ میلیون دلاری ساخته شد و ۶۱۲ میلیون دلار فروش کرد و به یکی از موفق‌ترین فیلم‌های مستقل تاریخ بدل شد. تا همین اواخر، این فیلم همچنین پرفروش‌ترین فیلم با درجه سنی R در تمام دوران بود.

گیبسون بارها فیلمبرداری «رستاخیز» را به تعویق انداخته و در حالی که قرار بود این فیلم سال ۲۰۲۳ و سپس ۲۰۲۴ فیلمبرداری شود، اکنون به نظر می رسد زمان قطعی فیلمبرداری فرا رسیده باشد.

وی حدود ۲ دهه است که در حال شکل دادن به دنباله فیلم پرفروش خود است. پیکی از عوامل مهمی که بارها «رستاخیز» را به تعویق انداخته، این سوال بود که از کدام نسخه فیلمنامه برای فیلم استفاده شود. از سال ۲۰۱۶، گیبسون همراه برادرش، دونال و رندال والاس فیلمنامه‌نویس «شجاع دل»، سخت روی فیلمنامه کار کرده‌اند و حداقل ۶ پیش‌نویس نوشته شده است.

داستان فیلم جدید بر ۲۴ ساعتی تمرکز دارد که بین مصلوب شدن و رستاخیز مسیح رخ داده است. گیبسون از «رستاخیز» به عنوان سفری اثیری یاد کرده که در آن عیسی به قلمروهای دیگر می‌رود.

اگرچه «مصائب مسیح» بیش از ۲۰ سال پیش منتقدان را به ۲ دسته تقسیم کرد، اما روایتی آموزنده از آخرین روزهای عیسی و فیلمی گیرا بود که تقریباً به فیلم ترسناک پهلو می‌زد.

گیبسون به عنوان یک کارگردان هرگز از خشونت دوری نکرده و «شجاع دل» و بهترین فیلم او «آپوکالیپتو» از خشن‌ترین فیلم‌های سینما هستند. او امسال فیلم «ریسک پرواز» را به پایان رسانده است.

### پشت پرده بسته شدن خانه اندیشمندان

## چرا در این خانه قفل شد؟

«خانه اندیشمندان علوم انسانی، یکی از مهم‌ترین نهادهای علمی و فکری پایتخت، این روزها در وضعیتی بحرانی به سر می‌برد؛ نهادی که در میانه مذاکرات با شورا و شهرداری با قفل‌های تازه، مأموران جدید و احکام متضاد قضایی دچار اختلال در ادامه فعالیت شده است.»

کیومرث بشیریه، معاون خانه اندیشمندان، در گفت‌وگویی از جزئیات چندین سال درگیری حقوقی با شهرداری تهران می‌گوید:«حدود دو سال پیش در حالی که برنامه‌های ما در حال برگزاری بود، افرادی بدون حکم رسمی به ساختمان آمدند و قفل‌ها را عوض کردند. به دنبال این اتفاق ما به دادگستری شکایت کردیم و دادگاه دستور موقت صادر کرد و نیروهای شهرداری مجبور به ترک ساختمان شدند.»

به گزارش «ایران»، وی افزود:« شهرداری دوباره برای گرفتن ساختمان شکایت کرد، اما برخلاف رأی دادگاه بدوی که به نفع شهرداری صادر شد در دادگاه تجدیدنظر این رأی به صورت قطعی نقض و شهرداری محکوم شد. با وجود این حکم، شهرداری به دو مسیر همزمان روی آورد، یکی تقاضای ابطال قرارداد و دیگری درخواست ماده ۴۷۷ از رئیس قوه قضائیه که این روند کاملاً بی‌سابقه بود.»

به گفته بشیریه، در اسفندماه سال گذشته، در حالی که هنوز درگیری حقوقی ادامه داشت، به فاصله ۲۴ ساعت دو رأی از طرف دو مرجع قضایی علیه خانه اندیشمندان صادر شد. او می گوید:«در یک رأی دادگاه، قرارداد ما را معتبر دانست و به استناد آن حق رجوع شهرداری را به رسمیت شناخت و در رأی دیگر آن قرارداد را باطل اعلام کرد. این تناقض به تفصیل توسط وکلای خانه پیش‌تر توضیح داده شده و جمعی از برجسته‌ترین حقوقدانان کشور طی نامه‌ای رسمی به رؤسای سه قوه به این روند اعتراض و به آن اشکالات عدیده وارد کرده‌اند. »

### بمانید، مثل سابق ادامه دهید

بشیریه می‌گوید: «پس از صدور حکم تخلیه، نمایندگان شورای شهر و شهرداری تهران اعلام کردند که همچنان در محل بمانید و کارتان را مثل گذشته ادامه بدهید. فقط گفتند قرارداد باید تغییر کند، ولی همه‌چیز مثل قبل خواهد بود. اما از هفته گذشته فشارها تشدید شد، قفل‌ها را عوض کردند و اتاق‌های اصلی را از ما گرفتند.»

فقط دو اتاق را در اختیار ما گذاشتند؛ این را معاون خانه اندیشمندان می‌گوید و توضیح می‌دهد: «یک اتاق که لوازم فنی برگزاری جلسات داخل آن است و یک اتاق هم برای مدیریت. بقیه فضاها، حتی سالن حافظ و سالن فردوسی، دیگر در اختیار ما نیستند. حدود ۱۰ نیروی اداری و ده‌ها مدیر و دبیر و اعضای شورای علمی گروه‌های پانزده‌گانه خانه حالا حتی امکان ورود آزاد به ساختمان ندارند و همه افراد حتی میهمان‌ها باید آفیش شوند که عملاً این کار غیرممکن است چون خیلی از میهمانان سرزده می‌آیند. » به گفته بشیریه، وضعیت فعلی باعث شده ارتباط خانه با اساتید و فعالان علمی مختل شود.

او می‌گوید: «نگهبان جدید آوردند و اعلام کردند که ورود هر میهمانی باید از قبل آفیش شود. یعنی اگر یک استاد یا نماینده مجلس بخواهد بی‌خبر بیاید، اجازه ورود ندارد. در حالی که فضای خانه همیشه باز و قابل دسترس بوده است.»

### تکلیف خانه هنرمندان باید روشن شود

اما موضع شورای شهر درباره این اتفاقات چیست؟ مهدی چمران، رئیس شورای اسلامی شهر تهران، درباره وضعیت خانه اندیشمندان می‌گوید: «تکلیف خانه اندیشمندان باید مشخص شود و تلاش می کنیم که مشکلات در سریعترین زمان ممکن برطرف شود. چندروز پیش هم در این زمینه جلسه‌ای داشتیم و تصمیم گرفتیم، فعلاً هیچ اقدامی در خصوص ادامه فعالیت انجام نشود و جلسات خانه ادامه داشته باشد تا با دعوت از همه گروه‌ها هیأت امنای آن شکل بگیرد. این ملک متعلق و در اختیار شهرداری است. بسیاری از بخش‌های آن بسته است و احتمال تخریب وجود دارد و ضروری است که هرچه سریع‌تر این موضوع حل‌وفصل شود و بررسی‌ها با همکاری همه جانبه لازم انجام شود.»

مسئولان شهرداری فعلاً درباره این موضوع صحبت نمی کنند و در تماس خبرنگاری اعلام کردند، موضع شهرداری عوض نشده است. محمدامین توکلی زاده، معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران چندی پیش و در جریان مشکلات بین شهرداری و خانه اندیشمندان در گفت و گو تأکید کرده بود که خانه اندیشمندان همچنان مشغول فعالیت در محل قبلی است.

مهدی صادقی کجانی، مدیرکل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران نیز درباره جزئیات این خبر در توضیحاتی اعلام کرده بود: «زمینی که خانه اندیشمندان در آن ساخته شده و در خیابان ورشو قرار دارد، متعلق به شهرداری است و خانه اندیشمندان در بخشی از این زمین واقع شده است. البته باید این موضوع را هم

در نظر گرفت که خانه اندیشمندان یک NGO است و به مثابه ساختمان نیست و در هر نقطه‌ای می‌تواند فعالیت داشته باشد. اما این ساختمان متعلق به شهرداری است که توسط کارمندان قدیم شهرداری تأسیس شده و تعارض منافع هم کاملاً مشهود است. در هیچ بازه‌ای از زمان هیچ شخصی مانع فعالیت خانه نشده و نمی‌شود. چون شأن اندیشمندان کشور بالاتر از این حرف‌هاست و در این موضوع خلط مبحث و مغلطه شده بود.»